



Extended Abstract

Short Article

DOI: 10.22099/JBA.2025.52830.4628

A Study of a New Symbol in Shahriar's Poetry

Mahdi Ramazani* 

Introduction

The transformation of symbols and literary imageries in contemporary Persian poetry stands as one of the most salient indicators of stylistic and thematic changes in this era. Literary interaction with the West — particularly with French literature — has provided fertile ground for semantic innovation, defamiliarization, and the redefinition of classical symbols. Mohammad-Hossein Shahriar, one of the influential figures in modern Persian poetry, has, drawing upon his lived experiences and linguistic competence, re-envisioned the symbol of the planet Venus (Zohreh/Anahita) in an innovative and distinct manner. This article, adopting a comparative and semiotic approach, examines the origin and the mechanism of the formulation of the novel symbol “the shepherd of the heavens” (Shabān-e Falak) ascribed to Venus in Shahriar’s poetry, and seeks to elucidate its position within the broader process of the transformation of symbols in contemporary Persian poetry.

Research Methodology

This study employs a qualitative analysis of literary texts and historical sources. The research entailed the collection and frequency analysis of instances of the Venus symbol in Shahriar’s poetry, the investigation of its historical background in classical Persian texts and authoritative dictionaries, and the examination of French sources —including Larousse and Robert dictionaries as well as nineteenth-century French literary texts— aimed at identifying analogous semantic patterns. Furthermore, Shahriar’s biographical and cultural

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
mehdi.ramazani85@gmail.com

Article Info: Received: 2025-04-16, **Accepted:** 2025-07-27



COPYRIGHTS ©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

background and his linguistic interactions with the intellectual figures of his time have been considered as supplementary data within the framework of comparative evaluation.

Discussion

The findings of this study demonstrate that, although Venus has predominantly been identified in the Persian literary tradition as the goddess of music and beauty, Shahriar, through the adoption of the expression “the shepherd of the heavens” (and “morning star”/“shepherd’s star”), opened up new semantic horizons for this celestial body. In French popular culture, the epithet “shepherd’s star” (Étoile du Berger), owing to Venus’s astronomical property of visibility at dawn and dusk, evokes the meaning of guidance for shepherds. Linguistic and intertextual evidence indicates that Shahriar was not a mere imitator; rather, by creatively assimilating the foreign motif, he transformed and indigenized the symbolic function of Venus. This symbolic transformation should be contextualized within the three principal waves of Western influence on modern Persian poetry, representing the substantial capacity of contemporary Iranian poetry to synthesize tradition and innovation.

Conclusion

The present research reveals that the selection and re-creation of the “shepherd of the heavens” symbol in Shahriar’s poetry results from a conscious and deliberate process of defamiliarization from classical models and the establishment of a multilayered approach to meaning-making in contemporary Persian poetry. Shahriar’s achievement in this domain lies in his authentic synthesis of Persian and French cultural elements, producing a novel and original image that serves as an exemplary case of intercultural capacity-building and symbolic transformation in modern Iranian literature. Accordingly, this study not only explicates the origin and mechanism underlying the formation of this particular symbol, but also opens new horizons for comparative semiotic research and the study of literary relations between Iran and the West.

Keywords: Shahriyar, French language, Venus, the constellation of shepherd, allusion

References

- Arianpour, Y. (1971). *From Saba to Nima (1500 years history of Persian literature)*. Zavvar. [in Persian]
- Chevalier, J., & Gheerbrant, A. (2003). *Dictionary of symbols* (S. Fazayeli, Trans. & Ed.). Jayhoun. [in Persian]
- Fotouhi Roudmajani, M. (2006). *Rhetorics of the image*. Sokhan. [in Persian]
- Karimi-Hakkak, A. (2005). *The dawn of modernity in Persian poetry* (M. Jafari, Trans.). Morvarid. [in Persian]
- Mohammadi, M. H. (1995). *Dictionary of allusion in contemporary poetry*. Mitra. [in Persian]

Mosaffa, A. (1996). *Dictionary of astrology term*. Institute for History and Culture of Iran. [in Persian]

Pournamdarian, T., Raefer, A., & Shakeri, J. (2012). A study and interpretation of several symbols in contemporary poetry. *Contemporary Persian Literature*, 2(1), Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]

Shafiei Kadkani, M. R. (2011). *With lamp and mirror* (3rd ed.). Sokhan. [in Persian]

Shahriar, M. H. (2010). *Collected poems* (11th ed.). Zarrin & Negah. [in Persian]

Shamisa, S. (1998). *Dictionary of literary allusions (myths, rituals, beliefs, science, etc.)* (Vol. 1). Ferdows. [in Persian]

Yahaghi, M. J. (1996). *Dictionary of myths and allusions in Persian literature*. Institute for Humanities and Cultural Studies - Soroush. [in Persian]



DOI: 10.22099/JBA.2025.52830.4628

بررسی نمادی نو در شعر شهریار

مهدی رمضانی* 

چکیده

ادبیات ملل مختلف علی‌رغم داشتن هویتی مستقل، با همدیگر در گفت‌وگو و تعاملند که این امر، در ادبیات معاصر ایران محسوس‌تر و عینی‌تر قابل پی‌گیری است؛ چراکه در این عصر، پیشرفت علم و گسترش صنعت چاپ و اقتضائات سیاسی در برقراری ارتباط با دولت‌های غربی، باعث شد تا ادبیات غربی به اشکال مختلف بر ادبیات معاصر ایران سایه افکند. از جمله حوزه‌هایی که ادبیات معاصر، شاهد تحولات شگرفی در آن بوده، مربوط به نگرش، مضامین و تصاویر است. برای مثال، برخی از شاعران صاحب سبک این عصر همچون فروغ، نیما، شاملو، اخوان و... تحت تأثیر عوامل مختلف اقدام به آشنایی‌زدایی از تصاویر نموده، نمادهای جدیدی را خلق کردند. در این میان، شعر شهریار نیز تجلی‌گاه برخی تصاویر و نمادهای منحصر به فرد و شخصی است؛ یکی از این موارد، مربوط به صورت فلکی زهره (= ونوس/ناهید) است. در دیوان این شاعر، زهره با حفظ کارکرد خنیاگری فلک، به عنوان «شبان فلک» معرفی شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش استقرایی مبتنی بر تحلیل و با تتبع در آثار دیگر، در پی یافتن مأخذ اصلی تصویر اخیر است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که شهریار به خاطر آشنایی با زبان فرانسه و تأمل در آثار شاعرانی همچون شاتو بریان، حشر و نشر با اشخاص تحصیل‌کرده‌ای چون ایرج میرزا، نیما یوشیج، صادق هدایت و... در خلق این تصاویر، تحت تأثیر ادبیات فرانسه بوده است.

واژه‌های کلیدی: شهریار، زبان فرانسه، زهره، شبان فلک، تلمیح.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. mehdi.ramazani85@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱/۲۷، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۵/۵



۱. مقدمه

پس از شکست‌های متوالی ایران در برابر روسیه‌ی تزاری و انگلستان و انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمان‌چای، اندیشه‌ی بازنگری بنیادین در وضعیت موجود در میان نخبگان ایرانی قوت گرفت. در این راستا، عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه، با اعزام دانشجویان به اروپا، به‌ویژه فرانسه، و امیرکبیر از طریق تأسیس دارالفنون، جریان ترجمه و انتقال علوم و دانش‌های غربی را پایه‌گذاری کردند. از آنجا که در آغاز تمامی معلمان دارالفنون خارجی بودند و به زبان فارسی آشنایی نداشتند، بهره‌گیری از مترجمان آموزش‌دیده در فرانسه ضرورت یافت و زبان فرانسه به تدریج جایگاه زبان علمی و آموزشی را در این مؤسسه یافت (رک. آرین پور، ۱۳۵۰: ۲۲۵). علاوه بر این، ورود صنعت چاپ و گسترش مطبوعات در عصر ناصری، نقش مهمی در تسریع روند آشنایی با فرهنگ و ادبیات اروپا، به‌خصوص فرانسه، ایفا نمود.^۱ از منظر ادبیات، ترجمه‌ی آثار شعری بزرگان فرانسوی چون لافونت، لامارتین، ویکتور هوگو و سن‌ژون‌پرس، نخستین و بارزترین تأثیر را بر فضای شعر فارسی گذاشت و پس از آن، ادبیات انگلیسی، روسی، آلمانی، ترکی و اسپانیایی نیز به تدریج مطرح شدند. تأثیر ادبیات اروپایی بر شعر فارسی در سه مرحله تحقق یافته است: نخست، تأثیر بر حوزه «مضمون» یا «مایگانی» که از طریق ترجمه «فابل»‌های غربی و انتقال مفاهیم تعلیمی شکل گرفته است؛ سپس تأثیر بر ساختار «تصاویر» و ایماژها که در فضای رمانتیک آثار شاعرانی چون نیما یوشیج، گلچین گیلانی و خانلری مشهود است؛ و نهایتاً تأثیر بر «زبان شعر» که در شعر فروغ فرخزاد به بهره‌وری کامل از ظرفیت‌های عروضی و در شعر شاملو به سمت شعر آهنگین منشور سوق داده شده است (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

از جمله حوزه‌هایی که در ادبیات معاصر دستخوش تحولات بنیادین شده، حوزه‌ی تصاویر و نمادها است؛ زیرا نمادها قابلیت تغییر و دگردیسی معنایی در بستر زمان و تحولات تاریخی را دارند. تحولات سیاسی نیمه‌ی اول قرن بیستم از مهم‌ترین عوامل دگرگونی نمادها به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که شاعران برای بازتعریف و خلق نمادهای نوین، دست به آشنایی‌زدایی زدند. عناصری مانند باد، دیوار، آب، آینه، شب، زمستان، پرنده، سپیدار، جنگل، باغ، چراغ و پنجره در شعر معاصر تحت تأثیر این تحولات سیاسی دچار بازسازی معنایی شدند (پورنامداریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵؛ پورنامداریان و خسروی شکیب، ۱۳۸۷: ۱۶۰). این دگردیسی نمادها صرفاً معلول عوامل سیاسی نبوده، بلکه عواملی چون ترجمه، ایجاد ابهام و عمق معنایی، افزایش غنای هنری و چندصدایی آثار و تأثیر مکتب‌های ادبی جهان، نیز در آن نقش داشته‌اند. برای مثال، محمود فتوحی در کتاب مستطاب خود، بلاغت تصویر، به بررسی تفاوت‌های تصویر و نماد کلاسیک و رمانتیک پرداخته و ثابت کرده است که این تصاویر از حیث ماهیت تصویر؛ نقش و کارکرد تصویر؛ نسبت تصویر و محتوا؛ تصویر در بافت، متفاوت هستند^۲ (رک. فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

در این میان، برخی شاعران، به‌ویژه شهریار، فارغ از هیاهوی سیاسی، به بازآفرینی تصاویر و نمادهای نوین پرداخته‌اند. نمونه‌ی برجسته آن، نمادی است که وی از صورت فلکی زهره (ونوس) ساخته است؛ نمادی که برخلاف پیشینه‌ی کهن آن در ادبیات فارسی به عنوان الهه‌ی موسیقی، در شعر شهریار به عنوان «چوپان فلک» معرفی شده است. این پژوهش بر آن است که به تحلیل مأخذ این نماد نوپردازی‌شده در شعر شهریار بپردازد.

۲. بحث

با تأملی در دیوان شهریار، متوجه بسامد تصاویر بر ساخته از شب و متعلقات آن می‌شویم. اگر خاقانی شاعر صبح است، می‌توان شهریار را شاعر شب دانست و این مسأله، در اشعار مربوط به مکتب شهریار، نمود خاصی دارد. در بررسی دلایل بسامد عنصر شب در شعر شهریار و با توجه به مصاحبه‌های خود او، چنان برمی‌آید که شهریار در کل شبانه‌روز بیش از ۴ ساعت نمی‌خوابید و اغلب اوقات شب را بیدار بود. از جمله تصاویری که در توصیفات شهریار از شب، بسامد و نمود متفاوتی دارد، مربوط به سیاره‌ی زهره است؛ تا جایی که بیش از ۵۰ بار با آن مضمون‌آفرینی و نمادپردازی کرده است. اغلب این تصاویر، مربوط به خنیاگری زهره است که در تاریخ ادبیات فارسی و در ادوار مختلف بسامد دارد. مهم‌ترین دلیل بسامد این نوع تصویر، ناشی از موسیقیدانی شهریار بوده است؛ چراکه وی در این حوزه تبحر خاصی داشت و همین عامل، خواه ناخواه او را به ساخت این تصاویر سوق می‌داد:

قوال زهره چشم ادب بود و گوش هوش
تا من به سیم ساز تو مضراب می‌زد
(شهریار، ۱۳۸۹: ۲۹۵)

علاوه بر این، در لابه‌لای اشعار بر ساخته از سیاره‌ی زهره با تصاویری مواجه می‌شویم که شهریار در آن از زهره به عنوان «چوپان فلک» یاد کرده است. برای مثال در شعر زیر، زهره را دختر چوپانی قلمداد کرده که اختران، گله‌ی پیرامون آن هستند:

زهره آن دختر شیدای شبان	نی به لب، شاه همه نوش‌لبان
زهره ضرب‌المثل زیبایی	شهره‌ی شاه‌دی و شیدایی
ز آسمان، مرتع نیلی‌گونش	اختران گله‌ی پیرامونش
زمردین گوهرش آویزه‌ی گوش	زلف چون چنگ دلاویز به دوش
به نوای ازلی نغمه‌سرا	و آهوان ابدیت به چرا

(همان: ۹۲۸)

یا در شعر زیر که فلک را چراگاه و زهره را شبان شبگرد آن بر شمرده است:

هر که چون زهره‌ی شبگرد شبانی دانست	در چراگاه فلک چشم‌چرانی دانست
خط سیر و سفرش جلوه نماید چون جوی	هر که چون چشمه‌ی رخشنده روانی دانست

(همان: ۱۱۸)

شبان زهره مگر گاو چرخ می‌دوشد	که از شکاف فلق جوی شیر می‌آید
-------------------------------	-------------------------------

(همان: ۲۴۴)

پیرم و گاهی دلم یاد جوانی می‌کند	بلبل شوقم هوای نغمه‌خوانی می‌کند
همتم تا می‌رود ساز غزل گیرد به دست	طاقتم اظهار عجز و ناتوانی می‌کند
بلبلی در سینه می‌نالد هنوزم کاین چمن	با خزان هم آشتی و گل‌فشانی می‌کند
ما به داغ عشق‌بازی‌ها نشستیم و هنوز	چشم پروین همچنان چشمک‌پرانی می‌کند
نای ما خامش ولی این زهره‌ی شیطان هنوز	با همان شور و نوا دارد شبانی می‌کند

گر زمین دود هوا گردد همانا آسمان با همین نخوت که دارد آسمانی می‌کند

(همان: ۲۴۴)

با تصفح و تأمل چندین باره در آثار شاعران مشروطه و معاصر، کتب و فرهنگ‌های مرتبط مختلف، -با قید احتیاط- متوجه تازگی این تصویر و -به تبع آن- نماد می‌شویم^۳؛ آنچه درباره‌ی زهره هست، ویژگی‌های مشترکی است که در منابع مختلف تکرار شده است؛ برای مثال:

- ابوالفضل مصفا در کتاب ارزشمند فرهنگ اصطلاحات نجومی در مورد این صورت فلکی چنین نوشته است: «زهره/ناهید (Venus)، از سیاره‌های منظومه شمسی است. ... شاعران پارسی زهره را، ارغنون زن گردون، رودگر فلک و عروس ارغنون زن، و چنگی و زممرساز و بربط‌نواز و زن بربط زن، و زهره‌ی خنیاگر و زن مطربه لقب داده و تقریباً هر جا در شعر نام زهره می‌آید، به سرود و نوازندگی و حالت سمبلیک او در زیبایی نیز حتی در نثر فارسی اشاره می‌رود» (مصفا، ۱۳۷۵: ۳۴۸).

سیروس شمیسا نیز مهم‌ترین ویژگی‌های زهره را با ایراد شواهد شعری مختلف - که ایراد همه آن از حوصله‌ی بحث خارج است - چنین عنوان کرده:

- «زهره یا ناهید سعد اصغر است.

- زهره رب‌النوع خنیاگری و آواز و طرب و عشق است...

- زهره را زنی فاحشه و بدکار قلمداد کرده‌اند.

- خانه‌ی زهره برج میزان است.

- خانه‌ی دیگر زهره برج ثور است.

- زهره درخشان‌ترین ستاره‌هاست لذا به آن زهره‌ی زهرا گویند.

- شرف زهره در حوت است لذا زهره‌ی حوتی گفته‌اند» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۵۹۲).

در کتاب فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی چنین اشاره شده است: «زهره در آسمان سوم، که در فارسی ناهید گویند. در روزگاران کهن، «زهره» یا «ناهید» را ایزد موسیقی و سرپرست رامشگران و خنیاگران می‌شمرده‌اند. باید توضیح داد که در اساطیر یونانی، آفرودیت و در اساطیر رومی، «ونوس» الهه‌ی زیبایی به شمار می‌رود» (باحقی، ۱۳۷۵: ۴۳۲).

- در کتاب فرهنگ تلمیحات شعر معاصر نیز، با تکرار اغلب موارد مذکور، به چند ویژگی اشاره شده است: «زهره یا ناهید، ستاره‌ای است که بر طبق تقسیم‌بندی منجمان قدیم، رب‌النوع خنیاگری و موسیقی به حساب می‌آید. در شعر امروز، یک بار زهره بدون صفت‌های سنتی‌اش یاد شده و اخوان ثالث او را بد بیوه و قحبه‌ی بی‌غم نامیده است» (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۵۰).

یکی از موضوعات مهم در تحلیل آثار شهریار، بررسی تأثیرات متقابل تحولات ادبی هم‌عصر او است که هم‌زمان با دوران فعالیت این شاعر برجسته روی داده‌اند. اگرچه زمان دقیق آشنایی شهریار با تحولات ادبی معاصر خود موضوعی قابل بحث است، شواهد زیستی و فرهنگی حاکی از آن است که وی با زبان فرانسه آشنایی قابل توجهی داشته و در دوران نوجوانی به مطالعه‌ی اشعار شاعران برجسته غربی مانند شاتوبریان و لامارتین پرداخته است. علاوه بر این، ارتباط و تعامل

وی با چهره‌های ادبی شاخص و زبان‌دانی نظیر صادق هدایت، بهار، ایرج میرزا و نیما، که هر یک تحت تأثیر جریان‌های ادبی اروپایی به‌ویژه ادبیات فرانسه قرار داشتند، از عوامل مهمی بوده که زمینه‌ی آشنایی شهریار با این تحولات را فراهم آورده است. این پیوند با ادبیات غرب، خصوصاً زبان فرانسه، تأثیرات گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف ادبی نظیر واژگان، اندیشه‌ها، ساختارهای صرفی و نحوی، قالب‌ها و فضاسازی‌های شعری در آثار شهریار برجای گذاشته است.

با توجه به علاقه و تسلط شهریار بر ادبیات فرانسه، می‌توان فرض کرد که تصویرپردازی‌های شعری او، به‌ویژه تصاویر مربوط به شبانی زهره، از نظر ساختاری و زیبایی‌شناسانه تأثیرپذیری قابل توجهی از مکتب رمانتیسیسم فرانسه داشته‌اند؛ مکتبی که تابلوسازی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است و در اشعار شهریار نمود یافته است. برای بررسی و تأیید این فرضیه، در بخش‌های آتی به تحلیل منابع اصلی ادبی فرانسوی، از جمله دیکشنری‌ها، پرداخته خواهد شد تا میزان و نحوه تأثیرگذاری این ادبیات بر تصویرپردازی‌های شعری شهریار روشن گردد.

دیکشنری لاروس

در دیکشنری فرانسه به فرانسه‌ی لاروس، درباره‌ی چوپان چنین آمده است:

Berger, ère, personnage qui garde un troupeau des moutons, qui le soigne. (...) – Etoile du berger: la planète Vénus. (Larousse, 2010: 130)

ترجمه:

چوپان: کسی که از گله‌ی گوسفندان مراقبت می‌کند (...) – ستاره‌ی چوپانی: سیاره‌ی ونوس (ستاره‌ی زهره).

یا در همین دیکشنری، ذیل ونوس چنین آمده است:

Vénus, planète du système solaire, située entre Mercure et la Terre. Visible tantôt dès le coucher du Soleil, tantôt avant son lever, elle est observée depuis l'Antiquité et traditionnellement appelé l'étoile du Berger. (Larousse, 2010: 1741)

ترجمه:

ونوس: سیاره‌ی منظومه‌ی شمسی که بین عطارد و زمین قرار گرفته است. گاهی از طلوع خورشید و گاهی قبل از آن قابل رویت است. این ستاره از دوران باستان و طبق رسوم، ستاره‌ی چوپانی نامیده می‌شود.

نسخه‌ی الکترونیکی دیکشنری روبر ۲۰۱۴

در این نسخه در تعریف ونوس چنین آمده است:

Vénus n. f, deuxième planète à partir du Soleil, elle est aussi appelée étoile du Berger, étant le premier et le dernier astre visible, dans le ciel nocturne (Le Robert électronique, 2014: entrée Vénus)

ترجمه:

ونوس (اسم مؤنث): دومین سیاره بعد از خورشید که ستاره‌ی چوپانی هم نامیده می‌شود؛ چراکه اولین و آخرین ستاره‌ی قابل رویت در آسمان شب است.

در کتاب فرهنگ نمادها نیز مواردی وجود دارد که به این وجه از ستاره‌ی زهره اشاره کرده است: «بوریات‌ها عقیده دارند که ستاره‌ی زهره وظیفه‌ی نگاهبانی و حراست از اسب‌هایشان را بر عهده دارد. آنها در بهاران کره اسب‌هایشان را می‌شمارند و دم و یال آنها را اندازه می‌گیرند و سپس نذر و نیازی برای زهره می‌کنند. آنها در ضمن اسب‌های زنده را

نذر زهره می‌کنند و از آن پس هرگونه استفاده از این اسب ممنوع خواهد بود. این اقوام گله‌چران بادیه‌نشین، زهره را شبان آسمانی می‌دانند، که گله ستارگانش را به چرا می‌برد. برای ینسی‌ها، زهره پیرترین ستاره است و از تمام ستارگان دیگر حمایت می‌کند. آیین ربودن نامزد در میان بوریات‌ها، به کیش ناهید (آناهیتا) باز می‌گردد. در افسانه‌های یاکوت‌ها، زهره یا ناهید باکره‌ای دلارام و رعنا است که ستارگان خوشه‌ی پروین معشوق او هستند. برای قرقیزها، مانند اقوام قدیم آسیای صغیر، زهره‌ی ستاره‌ی شب و دختر ماه است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ۴۸۶).

۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که تصویر و نماد سیاره زهره (ونوس/ناهید) در شعر شهریار، برخلاف سابقه‌ی دیرینه‌ی آن در ادبیات کلاسیک فارسی که عمدتاً بر نقش زهره به عنوان الهه‌ی موسیقی و خنیاگری تأکید دارد، در شعر شهریار به عنوان «شبان فلک» معرفی شده است. این نمادپردازی نوآورانه، بیانگر آشنایی و تأثیرپذیری شاعر از ادبیات و فرهنگ غربی، به‌ویژه ادبیات فرانسه است، که از طریق ترجمه و تعاملات فرهنگی و ادبی معاصر ایران به شعر او راه یافته است. شهریار با تکیه بر دانش زبان فرانسه و ارتباط با ادیبان و شاعران معاصر، همچون نیما و صادق هدایت، توانسته است ضمن حفظ کارکرد نمادین کلاسیک زهره در موسیقی و طرب، تصویر جدیدی از آن ارائه دهد که شبانی فلک را به عنوان نقش نمادین زهره برجسته می‌کند. این نوآوری در نمادپردازی، علاوه بر نشان دادن تحول نگرش و دگرگونی در فضای شعری معاصر ایران، تأکیدی است بر نقش تبادل فرهنگی و تأثیرپذیری از مکاتب ادبی جهانی در شکل‌گیری جهان‌بینی و زبان هنری شهریار. از این رو، می‌توان گفت که بررسی تطبیقی و تحلیلی این نماد در شعر شهریار، نمونه‌ای بارز از روند آشنایی‌زدایی از نمادهای سنتی و خلق نمادهای نوین در ادبیات معاصر ایران است که علاوه بر غنای معنایی و ژرفای هنری، افق‌های تازه‌ای در فهم و تحلیل نمادها و تصاویر ادبی باز می‌کند. پژوهش حاضر همچنین می‌تواند نقطه‌ی آغازی برای مطالعات گسترده‌تر در حوزه‌ی تأثیر متقابل ادبیات فارسی و اروپایی، به‌ویژه در حوزه‌ی نمادشناسی و تصویرسازی شعری تلقی شود.

یادداشت‌ها

۱. ترجمه را می‌توان به عنوان یکی از عوامل تحولی نظام‌مند مورد بحث قرار داد که الگوهای تازه‌ای در اختیار شاعران و نویسندگان می‌گذارد که پیش از آن در سنت بومی حضور نداشته‌اند. ترجمه از این طریق به تحول نظام ادبی شتاب می‌دهد و وقوع آن را تسهیل می‌کند. نشریات ایران در اوایل قرن بیستم معمولاً بخش جداگانه‌ای را به قطعه‌های شعر یا نثر ترجمه‌شده یا الهام‌گرفته از آثار اروپایی اختصاص می‌دادند. این بخش غالباً تحت عنوان «ادبیات» یا «ادبیات جدید» به چاپ می‌رسید (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۲۶۹).
۲. سمبولیسم معاصر ایرانی از منظر روش بیان، شباهت زیادی به سمبولیسم فرانسه دارد... اما از منظر نگرش، با سمبولیسم غرب متفاوت است (رک. فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۴۳).
۳. با وجود شباهت ظاهری کاربرد نماد زهره در شعر شهریار و منظومه زهره و منوچهر اثر ایرج میرزا، باید توجه داشت که در منظومه ایرج، زهره صرفاً تجسمی از زیبایی و عشق زمینی است و اشاره‌ای به نقش اسطوره‌ای یا کیهانی او به‌مثابه‌ی «شبان فلک» ندارد.

در آن به چشم نمی‌خورد. از این رو، گرچه از نظر سبک‌شناسی تاریخی، تأثیرپذیری‌های کلی شهریار از ایرج میرزا قابل تأمل است، اما از منظر نمادشناسی موضوع این مقاله، منظومه‌ی یادشده پیوند مستقیمی با مسئله‌ی مورد بحث ندارد.

منابع

- آرین پور، یحیی. (۱۳۵۰). *از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰۰ سال ادب فارسی)*. تهران: زوار.
- پورنامداریان، تقی و همکاران. (۱۳۹۱). «بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر». *ادبیات پارسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۲، شماره‌ی ۱، صص ۲۵-۴۸.
- https://contemporarylit.ihcs.ac.ir/article_435.html
- پورنامداریان، تقی؛ خسروی شکیب، محمد. (۱۳۸۷). «دگردیسی نمادها در شعر فارسی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، سال ۶، شماره‌ی ۱۱، صص ۱۴۷-۱۶۲. <https://www.magiran.com/paper/654030>
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه*. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۷). *فرهنگ اشارات ادبیات فارسی (اساطیر، سنن، آداب، اعتقادات، علوم...)*. ج اول، تهران: فردوس.
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن. (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها*. ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- شهریار، محمدحسین. (۱۳۸۹). *کلیات اشعار فارسی شهریار*. تهران: زرین و نگاه.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- کریمی حکاک، احمد. (۱۳۸۴). *طلیعه تجدد در شعر فارسی*. ترجمه‌ی مسعود جعفری، تهران: مروارید.
- محمدی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *فرهنگ تلمیحات شعر معاصر*. تهران: میترا.
- مصفا، ابوالفضل. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات نجومی*. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سروش.

Larousse. Le Petit Larousse Larousse. Illustré 2011. Paris : Larousse, 2010, p. 130, entrée «Berger» ; p. 1752.

Le Robert lectronique. (2014). Entrée: « Vénus ». Paris : Éditions Le Robert (version numérique).